

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

National and Revolutionar Characters

afgazad@gmail.com

شخصیت های ملی و انقلابی

نشریه زیار- سید هاشم

۰۷ فبروری ۲۰۲۱

یاد الیاس (نجیب)،

کارگر زحمتکش و تهیدست را گرامی می داریم!

زنده یاد نجیب که به نام الیاس مشهور بود، یکی از کارگران نجیب، زحمتکش، صمیمی و تهیدست کشور ما بود. او به طبقه کارگر تعلق داشت. الیاس، یک کارگر آگاه بود. او با اندیشه رهاییبخش کارگری آشنا بود. مدافعان طبقه کارگر و زحمتکشان را به خوبی می شناخت.



خانواده گرامی زنده یاد نجیب، یک خانواده زحمتکش و بی بضاعت بود. برادر بزرگش، زنده یاد ستار راننده بود که امواج بیرحم دریا او را از خانواده گرفت. دومین برادرش، زنده یاد جمال، کارگر سنگ بری بود که زیر موتر انتقال سنگ با زندگی وداع کرد. و اینک، زنده یاد الیاس خانواده و دوستان زحمتکش اش را تنها گذاشت و در اثر سکنه مغزی درگذشت. یاد این کارگر صمیمی گرامی باد!

الیاس را از سالهای سال می شناختم. انسان صمیمی و مهربانی بود که عطوفت و مهرش نسبت به زحمتکشان بی پایان بود. با او از پشاور تا راولپنڈی ۲۰ تا ۳۰ کیلو چای می بردیم و می فروختیم. او خستگی نمی شناخت. با عشق تمام کار می کرد. از زحمت کشیدن و عرق ریختن لذت می برد، اما زندگی انگلی و طفیلی را خوش نداشت. با او در تابستان داغ پاکستان در کوره های خشت پزی چرات، خشت زدیم. برایم یاد داد که چگونه خشت بزنم. بیشترین کار را خودش می کرد؛ کار سنگین و شاقه را خودش انجام می داد؛ اما عاید ناچیز آن روزگار را نیم کرد.

پس از سالها خشت زنی، به حیث اجیر در یکی از اینجو های پولدار مقرر شد. کارش شب باشی از یک مکتب بود. پول آن اینجو، عده ای زیادی را با زندگی خرده بورژوازه لم داد؛ اما الیاس ما کارگر مانند. عرق می ریخت، زحمت می کشید، رنج و مشقت را تحمل می کرد، هیچ گاه شکوه و گله نمی کرد و همیشه خنده بر لب داشت.

الیاس کارگر شرکت مخابراتی افغان بیسیم شد. روزی، زنگ خانه به صدا درآمد. همان چهره معصوم، همان خنده دایمی، همان صمیمیت، همان انسان مهربان، همان دوست زحمتکش، همان کارگر، کارگر آگاه؛ دم در بود. او عادت داشت، احوال دوستان خود را زود زود بگیرد. بعد از سلام و کلام، پرسیدم زندگی ات چطور است؟ گفت: افغان بیسیم در حدود ۱۰ هزار افغانی معاش میته. در این قیمتی چیزی نیست؛ اما گذاره می کنم. از ظاهرش معلوم بود که سخت تحت فشار است. ولی این فشار را پشت لب های خندانش پت می کرد. او یاد گرفته بود که در بدترین شرایط اقتصادی زندگی کند و مثل یک کارگر با وقار، شمع امید خانواده را روشن نگه دارد.

گرامی یاد الیاس، میان همه دوستان برای شوخی های مؤدبانه و مزه دار، خنده و شادی، کار و تلاش، صمیمیت و مهربانی مشهور بود. زندگی مشقت بار کارگری نتوانست خنده او را بکشد. نتوانست لب های او را پژمرده بسازد و صمیمیت او را کم کند.

الیاس، در خانواده کارگری به دنیا آمد، کارگر جوان شد و تا آخرین لحظات عمر مثل یک کارگر با شرف زیست. او دولت سرمایه داران و چپاولگران را بخوبی می شناخت. ستمگران امریکائی و ناتوئی را خوب می شناخت. او طالب و داعش و جهادی را خوب می شناخت. او شرکت افغان بیسیم را می شناخت که چگونه هزاران کارگر مثل او را استثمار می کند. دریغا که دیگر این کارگر عزیز و ارجمند، این انسان گرامی و مهربان را با خود نداریم.

درگذشت گرامی یاد الیاس را به خانواده ارجمند و دوستان این کارگر زحمتکش و مهربان تسلیم می گویم.

یادش گرامی باد!